

نقد و بررسی دیدگاه ویلیام فدرر دربارهٔ مصادر قرآن

محسن نورائی*

استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

سید کامل عسکری**

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

محمد شریفی***

استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۰)

چکیده

در سده‌های اخیر، قرآن پژوهی از اولویت‌های مهم مستشرقان است. شماری از این آثار به انکار و یا دست کم تردید در وحی‌انیت قرآن تصریح دارد. ویلیام جوزف فدرر، نویسنده و مورخ معاصر آمریکایی نیز همسو با این نظر، منکر الهی بودن قرآن است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی ابعاد مختلف ادعای فدرر را به بحث می‌نهد و به بررسی دیدگاه ویلیام فدرر در کتاب «What every American needs to Know about the Qur'an» دربارهٔ مصادر قرآن پرداخته‌است. نتیجهٔ پژوهش بیانگر نادرستی بسیاری از ادعاهای فدرر است. مهم‌ترین نقاط ضعف وی عبارتند از: مراجعه نکردن به منابع دست اول و معتبر، آدرس دهی غیردقیق به منابع، مراجعه نکردن به منابع تاریخی، تفسیری و حدیثی شیعه، تعصب نسبت به باورهای مسیحیت و غرض‌ورزی در برابر معارف قرآنی. نتیجهٔ این پژوهش در حوزهٔ مطالعات استشراق و نیز مباحث کلامی و تفسیری کاربرد آشکار دارد. همچنین، این نتایج در عرصهٔ تبلیغ و جذب نامسلمانان و اقناع فکری ایشان کارایی دارد.

واژگان کلیدی: مصادر قرآن، وحی، ویلیام فدرر، فرهنگ جاهلی، ادیان ابراهیمی.

* E-mail: m.nouraei@umz.ac.ir (نویسندهٔ مسئول)

** E-mail: k.asgari@stu.umz.ac.ir

*** E-mail: m.sharifi@umz.ac.ir

مقدمه

مسلمانان معتقدند که قرآن مجید همان کلمات و الفاظی است که از جانب خداوند متعال و از سوی فرشته وحی بر قلب و روح پیامبر خاتم^(ص) نازل شد و آن حضرت نیز آن را کاملاً دریافت و بدون کم و کاست به جهانیان ابلاغ نمودند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۱۰۹ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۴: ۳۸۱). این اندیشه از سوی مخالفان اسلام پذیرفته نشد و آنان از زمان بعثت پیامبر خاتم^(ص) تا عصر حاضر به گونه‌های مختلف با آن ستیز نموده‌اند و سعی در اثبات این موضوع داشته‌اند که قرآن کلامی غیروحیانی، ساخته و پرداخته ذهن بشری است.

همواره و در طول تاریخ، شماری از مسیحیان نیز به ستیز با قرآن پرداخته‌اند. مخالفت مسیحیان به تدریج از قرون وسطی با پشتیبانی کلیسا ساختاری منظم یافته‌است، به‌ویژه از قرن نوزدهم، مستشرقان رهیافت‌هایی گوناگون برای ضربه زدن، تقابل و تضعیف اسلام در پیش گرفتند. یکی از این رویکردها، القای شبهه غیروحیانی بودن قرآن است. از این منظر که حضرت محمد^(ص) با تأثر از فرهنگ عرب جاهلی، ادیان و آیین‌های گوناگون حجاز، آیات قرآن را بیان نمودند (Tisdall, 2016: 11).

از جمله رویکردهای منتقدانه معاصر نسبت به قرآن، کتاب «What Every American Needs to Know about the Qur'an» تألیف ویلیام فدرر است که به لحاظ محتوا و حمایت فرهنگی-سیاسی، رئیس وقت دولت ایالات متحده، باراک اوباما، توجه نگارندگان پژوهش را به خود جلب نمود. با توجه به آنکه فدرر اشکالاتی جدی دربارهٔ مصادر داخلی و خارجی قرآن وارد نموده، نکات فوق‌العاده بدیهی از دین اسلام را منکر شده، آن‌ها را به چالش کشانده‌است. در این پژوهش، سعی شد مدعیات وی دربارهٔ مصادر قرآن، با استناد به ادله قرآنی، عقلی، روایی و تاریخی بررسی شود.

پژوهش حاضر می‌کوشد تا بدین پرسش‌ها پاسخی دهد:

- آیا سخنان فدرر و هم‌کیشان او از مبنای منطقی برخوردار است؟

- آیا منابع مورد استناد ایشان معتبر است؟

- آیا چنین ادعاهایی متأثر از فضای مغرضانهٔ تحقیقات اسلام‌شناسی غربی است یا در فضایی علمی و روشنگرانه بیان گردید؟

بی توجهی در پاسخ به این اشکالات بر عقاید و باورهای خوانندگان تأثیرگذار است. از آنجا که نویسندهٔ کتاب، در جامعهٔ علمی آمریکا، به ویژه در رسانه‌های این کشور و جهان، سطح وسیعی از مخاطبان را به خود جذب نموده‌است، ضروری بود تا سخنان او به دقت نقد و بررسی گردد.

۱- زندگینامه ویلیام فدرر^۲

ویلیام جوزف فدرر (William Joseph Federer) ملقب به «بیل»، یکی از مهم‌ترین تاریخ‌نویسان و نویسندگان معاصر آمریکایی با تألیف بیش از بیست کتاب، در اول اکتبر ۱۹۵۷ میلادی در جنوب ایالت سنت لوییس میسوری به دنیا آمد. او پنجمین فرزند از یازدهمین فرزند خانواده است. در ۱۹۷۶ میلادی از دبیرستان سنت لوییس فارغ‌التحصیل شد، سپس در دانشگاه دالاس تگزاس (۱۹۷۶-۱۹۷۸ م.)، و نیز دانشگاه رُم، پایتخت ایتالیا (۱۹۷۸) تحصیل نمود و در پایان، در دانشگاه سنت لوییس با مدرک مدیریت اجرایی، مدرک کارشناسی دریافت نمود. وی مجری برنامهٔ معروف «American Minute» است که هدف آن، معرفی وقایع مهم هر روز در تاریخ این کشور است و به صورت زنده در رادیو آمریکا و اینترنت پخش می‌شود. از فدرر در روزنامه‌های معروف آمریکا و ده‌ها نشریهٔ دیگر مقالاتی چاپ شده‌است. همچنین، وی مؤلف ده‌ها کتاب، از جمله کتب ذیل است:

The Original 13: A Documentary History of Religion in America's First Thirteen States (2006).

What Every American Needs to Know about the Qur'an: A History of Islam & the United States (2007).

Change to Chains-The 6,000 Year Quest for Control -Volume I-Rise of the Republic (2013).

Prayers & Presidents-Inspiring Faith from Leaders of the Past (2010)

ویلیام فدرر در مجامعی از راش مُر (Mount Rushmore)^۳ تا یادبود آبراهام لینکلن (رئیس جمهور اسبق متوفی آمریکا) در کنگره، برای اشخاص مهم و پرنفوذ سخنرانی‌هایی داشته‌است. فدرر در سراسر ایالات متحده در مجامع مختلف برای نمایندگان کنگره، سناتورها، کاندیداها، ستارگان ورزشی، افسران پلیس، مناظرات و کنفرانس‌های گوناگون سخنرانی کرد. این کتاب (آنچه که یک آمریکایی نیازمند است تا از قرآن بداند؟) برای نخستین بار در ۲۸۸ صفحه به سال ۲۰۰۷ میلادی چاپ گردید. ویرایش دوم این کتاب به سال ۲۰۱۶ میلادی در ۳۲۶ صفحه تنظیم شده‌است.^۴

۲- استشراق و تاریخچه آن در زمینه مصادر قرآن

شرق‌شناسی یا خاورشناسی که در عربی از آن به استشراق یاد می‌شود، معادل واژه انگلیسی Orientalism است (ر.ک؛ شاهد، ۱۳۸۶: ۱۹). واژه «مستشرق» به کسی اطلاق می‌شود که زبان، هنرها و... از کشورهای شرقی را مطالعه می‌کند (Hornby, 1995, 818). در مفهوم اصطلاحی خاورشناسی، اقوال متعددی آمده‌است؛ از جمله: «خاورشناسی عبارت است از: مطالعه غربی‌ها دربارهٔ باورها، تاریخ، آداب و دیگر امور شرق» (ابراهیم رضوان، ۱۹۹۲م: ۲۳). همچنین، ادوارد سعید، نظریه‌پرداز مشهور ادبی و فعال سیاسی فلسطینی - آمریکایی، در کتاب «شرق‌شناسی» دربارهٔ واژگان «مستشرق» و «استشراق» می‌نویسد: «مستشرق یعنی هر کسی که دربارهٔ شرق می‌آموزد، می‌نویسد و یا تحقیق می‌کند و این امر دربارهٔ هر فرد، چه انسان‌شناس، جامعه‌شناس، زبان‌شناس یا تاریخ‌دان باشد، در جنبه‌های خاص یا کلی آن استعمال می‌شود و آنچه که او انجام می‌دهد، شرق‌شناسی است» (Said, 1979: 2).

با گسترش اسلام به سرزمین‌های خارج از شبه جزیرهٔ عربستان، انگیزهٔ علمای اهل کتاب نسبت به مطالعه و مقابله با دین اسلام افزایش یافت. آنان علاقمند به کاوش در شخصیت پیامبر اسلام و قرآن گردیدند، به‌ویژه بعد از فتح اسپانیا (۷۱۴ م. / ۹۲ ق.). به دست مسلمانان، جهان غرب اسلام را تهدیدی جدی برای بقای خود دانستند. دشمنی با

اسلام بعد از حکم‌فرمایی و تسلط کلیسا در جهان غرب صورتی جدید یافت، به طوری که در قرن هشتم میلادی، کلیسا با انگیزهٔ دینی، مطالعاتی دربارهٔ اسلام، به‌ویژه قرآن آغاز نمود. مسیحیان به سرعت متوجه این چالش شدند که دین جدید ادعاهایی جهانی برای دینشان مطرح می‌کند. رهبران پیشین کلیسا، مانند یوحنا دمشقی (قرن دوم هجری / هشتم میلادی) زمان بسیار زیادی را برای مطالعهٔ قرآن (به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق آگاهان) به منظور نقد صرف کردند. یکی از معروف‌ترین و پرانگیزه‌ترین انتقادات در کتابی با عنوان *اعتقاد الکنندی* پیدا شد که در سال ۲۱۵ هجری قمری (۸۳۰ میلادی) در دفاع مسیحیت از اسلام نوشته شد (MacAuliff, 2007: 253)؛ به عبارتی دیگر، آن گونه که تاریخ اذعان دارد، ترس از نفوذ اسلام به دیگر کشورهای مسیحی، باعث به تکاپو افتادن محققان غیرمسلمان در مطالعات قرآنی بود؛ چراکه کلیسا به هر شکل خواستار جلوگیری از پیشرفت معنوی اسلام به جهان غرب، به‌ویژه اروپا بود. دکتر مصطفی السباعی هم‌سو با این نظر می‌گوید: «نیازی به تلاش و استنتاج نیست که اولین انگیزهٔ استشراق، انگیزه‌ای دینی بوده‌است. سپس وی دیگر انگیزه‌های مستشرقان را در حوزهٔ مطالعات اسلامی به ترتیب انگیزه‌های استعماری، تجاری، سیاسی و انگیزهٔ علمی معرفی می‌نماید (ر.ک؛ سباعی، بی تا: ۲۰-۲۴).

بسیاری از مستشرقان مانند آبراهم گایگر (۱۸۱۰-۱۸۷۴م.)، ژوزف هورو ویتز (۱۸۴۴-۱۹۱۰م.)، فریدریک شوالی (۱۸۶۳-۱۹۱۹م.)، ایگناز گلدزیهر (۱۸۵۰-۱۹۲۱م.)، تئودور نولدکه (۱۸۳۶-۱۹۳۰م.)، گوتلف برگشراپر (۱۸۶۶-۱۹۳۳م.)، هارتویگ هرشفلد (۱۸۵۴-۱۹۳۴م.)، آلفونس مینگانا (۱۸۷۸-۱۹۳۷م.)، اتو پریترل (۱۸۹۳-۱۹۴۱م.)، ریچارد بل (۱۸۷۶-۱۹۵۲م.)، آرتور جفری (۱۸۹۲-۱۹۵۹م.)، رودی پارت (۱۹۰۱-۱۹۸۳م.)، ویلهم رودولف (۱۸۹۱-۱۹۸۷م.)، ادموند بک (۱۹۰۲-۱۹۹۱م.)، جان وِزبرو (۱۹۲۸-۲۰۰۲م.)، ماکسیم رودینسون (۱۹۱۵-۲۰۰۴م.)، گاتنر لولینگ (۱۸۲۸-۲۰۱۴م.)، پاتریشیا کرون (۱۹۴۵-۲۰۱۵م.)، مایکل کوک، سیدنی گریفیث، کلود گیلوت، کریستوفر لوکزنبورگ ادعا نمودند که «حضرت محمد (ص) قرآن را بر اساس اطلاعاتی که از منابع مسیحی و

یهودی شفاهی شنیده بود، یا با کمک ترجمه از زبان‌های سریانی، عبری، آرامی و یا حبشی ساخته بود» (Yashar, 2016: 347-370).

نولدکه (Theodore Nuldeke) در میان خاورشناسان جایگاه ویژه‌ای دارد. وی در کتاب مشهور تاریخ قرآن (Geschichte des Qorans) موارد بسیاری را برمی‌شمرد که نشان می‌دهد قرآن برگرفته از تورات و انجیل است. نولدکه مدعی است: «بررسی دقیق‌تر عناصر آشکار یهودی و مسیحی در قرآن به این نتیجه ختم می‌شود که عناصر اولیه مشترک در مسیحیت و اسلام، رنگ و نمودی یهودی دارند؛ برای مثال، عقیده آشنای مسلمانان (لا إله إلا الله) از قاعده‌ای یهودی مشتق شده است» (Noldeke, 2013: 5).

همچنین، ایگناز گلدزیهر (Ignaz Goldziher) خاورشناس یهودی درباره اقتباس قرآن از دیگر ادیان می‌نویسد: «اعلان این پیامبر عربی، ترکیب منتخبات از دیدگاه‌های مذهبی است که آن‌ها را در برخورد با شخصیت‌های یهودی، مسیحی و عناصر دیگر فراگرفته، یا به دست آورده بود و سخت تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفته بود و او آن را به عنوان گواه بیداری مذهبی جدی میان قومش مناسب می‌دید» (Goldziher: 1917, 20). در همین راستا، هنری اسمیت (Henry Smith) در سخنرانی خود در باب منابع قرآنی (The Qur'an Narratives) بارها تأثیر کتب عهد قدیم و جدید را بر قرآن صحیح دانسته است و می‌نویسد: «وابستگی قرآن به کتب عهدین در نظر اجمالی، بدیهی است. صفحه‌ای در قرآن وجود ندارد که زبانش ما را به یاد تورات یا انجیل نیندازد» (Smith, 1897: 60).

مستشرق مشهور دیگر اسقف ویلیام سنت کِلِر تستدال (William St. Clair Tisdall) (۱۸۵۹-۱۹۲۸ م.)، تاریخ‌دان و لغت‌شناس انگلیسی و مأمور تبلیغی کلیسای انگلستان به اصفهان، وی به صراحت به فرهنگ و رسوم جاهلی گریزی می‌زند و بعضی از آیات قرآن را اقتباسی از اشعار شعرای جاهلی، مانند «امرؤ القیس» معرفی می‌کند که پیش از پنداشت حضرت محمد (ص) به نبوت اخذ شدند (Tisdall, 2006: 9). یکی دیگر از خاورپژوهان مشهور که به بحث منابع قرآن علاقه نشان داده، آبراهم گایگر

(https://en.wikipedia.org/wiki/Abraham_Geiger)، خاخام یهودی آلمانی است که در پژوهشی به زبان لاتین (۱۸۳۳ م.) با عنوان «محمد^(ص) چه مطالبی را از یهودیت اقتباس کرد؟»، کتاب مقدس را از منابع قرآن کریم دانسته است. نخستین بار کتاب وی به زبان آلمانی (Was hat Mohammed aus dem Judenthume aufgenommen?) ترجمه شد و آنگاه در ۱۸۹۶ میلادی از سوی یانگ (F.M. Young) با عنوان «یهودیت و اسلام» (Judaism and Islam) به انگلیسی ترجمه گردید.^۵ گایگر در کتابش در سه فصل مجزا به اقتباس کلمات، احکام و قصص انبیای قرآن از تورات اشاره می‌کند (Young, 2011: 31-44). هارتویگ هرشفلد (Hartwig Hirshfeld) پژوهشگر یهودی دیگر و خاورشناس انگلیسی متعصب ضد اسلام در کتابش^۶، ادعایی عجیب دارد. وی می‌نویسد: «در حال حاضر، ضرورتی ندارد تا با جزئیات نشان دهیم که "إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ"، چیزی جز ترجمه تحت‌اللفظی از عبارت کتاب مقدس نیست که یهودیان *wayyiqra b`shem donay* و مسیحیان سوری *waqra bash meh d`marya* می‌خوانند» (Hirshfeld, 1902: 32). اوری روبین، خاورشناس دیگر در مقاله «پیام محمد^(ص) در مکه: هشدارها، نشانه‌ها و معجزات» (Mohammad's message in Mecca: warnings, signs, and miracles) با اشاره به هشدارهای آیات روز قیامت که در آیات آغازین وحی در مکه وجود دارد، مثال‌هایی را از قرآن به عنوان شاهد می‌آورد. سپس با مقایسه قرآن و کتب مقدس نتیجه می‌گیرد که آیات قرآن اقتباسی از آن کتب مقدس هستند:

«چنین فاجعه‌هایی از قبل در کتاب مکاشفه مربوط به کتاب مقدس وجود داشتند. در کتاب یوئیل ۱-۲: ۳۰ (۳-۴: ۳) در انجیل عبری خداوند می‌فرماید: من شگفتی‌هایی در آسمان‌ها و در زمین، خون و آتش و ستون‌های دود نشان خواهم داد. قبل از آنکه روز بزرگ و وحشتناک خداوند اتفاق افتد، خورشید به تاریکی و ماه به خون تبدیل خواهد شد. همان تکرارها در عهد جدید، و آنگاه در قرآن، این هشدارهای آخرتی را در قالب یک بافت عربی ضد شرک از سوی حضرت محمد^(ص) جا داده است» (Brockopp, 2010: 42).

۳- مستشرقان و اثرپذیری قرآن از مصادر داخلی و خارجی

برخی خاورشناسان بر این باورند که رسول اکرم^(ص) معارف قرآنی را از دو منبع اخذ کرده است: قسمتی را از محدوده جغرافیایی و زندگی اجتماعی و فرهنگی شبه جزیره عربستان (= مصادر داخلی)، و قسمت دیگر را از منابع شفاهی و کتبی ادیان یهودیت، مسیحیت، زرتشت، تعالیم مانویت، عقاید، آداب و رسوم دیگر ملل که پیامبر اسلام^(ص) به اشکال مختلف از دوران نوجوانی با آنان در ارتباط بودند، اقتباس کردند (= مصادر خارجی). آنان بر این باورند که قرآن متأثر از فرهنگ و رفتار اعراب جاهلی، اشعار بعضی شعرای بزرگ جاهلیت، مانند امیه بن ابی الصلت یا امرؤ القیس، عقاید بازمانده شرک آمیز و سنت‌ها و آیین بت پرستان، مانند محدودیت زناشویی در ازدواج، حج با اعمال گوناگونش، سعی صفا و مروه، رمی در وادی مناه، وضو و بعضی اعمال کوچک دیگر است (Tisdall, 2006: 9).

همچنین، برخی مدعی هستند پاره‌ای از افسانه‌های عرب جاهلی که با اسامی جغرافیایی و اشعار کهن خود در پیوند با عاد و ثمود یا سیل ارم هستند، حضرت محمد^(ص) از آن‌ها اقتباس نمودند، اما آن‌ها را کاملاً در هماهنگی با تواریخ یهودی پیامبران تغییر دادند (Noldeke, 2013: 15)؛ به عبارتی دیگر، آنان مدعی هستند که پیامبر اسلام همان عقاید بازمانده از ادیان مختلف غیر توحیدی و شرک آمیز و آگاهی‌های کشیش‌های مسیح و احبار یهود، سنت‌ها و آیین بت پرستان، مانند حج و طواف، نذر، توسل و قوانین معاملاتی عرب‌ها، مانند بیع، مضاربه، مساقات و قوانین حقوق خانواده، مانند ظهار، طلاق، ارث و عقد را در طول مدت زندگی فرا گرفته است و آنگاه با هوش سرشار خویش، آن‌ها را تنظیم و تدوین نموده است و با اندک اصلاحاتی به صورت «دین اسلام» به مردم ارائه کرده است (ر.ک؛ زمانی، ۱۳۸۵: ۱۶۵). این محققان کوشیدند تا شخصیت پیامبر اسلام^(ص) را به گونه‌ای جلوه دهند که از فرهنگ، آداب و رسوم جاهلی شبه جزیره متأثر شده است.

۴- دیدگاه فدرر دربارهٔ مصدر داخلی قرآن: تأثیرپذیری قرآن از عرب مشرک^۸

ادعای ویلیام فدرر دربارهٔ مصدر داخلی قرآن در چند مورد قابل طرح و بررسی است. او در توصیف بت پرستی اعراب جاهلی و اثرپذیری قرآن از عرب مشرک می نویسد:

«هر قبیلهٔ عرب جاهلی، خدای محلی اصلی خود را الله می نامید که به زبان ساده، رب النوع معنا می دهد. در شبه جزیره، مشرکان ۳۶۰ بُت را می پرستیدند که با سنگ نشان داده می شدند و معتقد بودند که این سنگ ها از خورشید، ماه و ستارگان به زمین افتاده اند» (Federer, 2016: 26).

فدرر پس از تعریف مختصر از لات، منات و عزّی، مدعی می شود که پیامبر اکرم (ص) از آنان تأثیر پذیرفته است:

«شاید متأثر از کنعانیان که بعل و ۳ دخترش را می پرستیدند، پیش از اسلام، مکیان سه الههٔ مؤنث را محترم می شمردند: ۱- اللات: به عنوان سنگی چهار گوش پرستش می شد. ۲- العزی: به عنوان تخته سنگ گرانی در راه و مسیر به سمت شهر طائف پرستش می شد. ۳- منات: به عنوان سنگ سیاهی در مسیر جاده به شهر مدینه. (حضرت) محمد به این الهه ها مراجعه می نمود!» (Ibid).

سپس وی به آیات ۱۹-۲۳ سورهٔ نجم اشاره می کند: «به من خبر دهید آیا بت های لات، عزّی و منات که سومین آن هاست (دختران خدایند)؟ آیا سهم شما پسر است و سهم او دختر؟ در این صورت، این تقسیمی ناعادلانه است؟ این ها فقط نام هایی است که شما و پدرانانتان بر آن ها گذاشته اید و هرگز خداوند دلیل و حجتی بر آن ها نازل نکرده است» (Ibid). در ادامه، فدرر دربارهٔ اقتباس تعالیم اسلام از عرب جاهلی مدعی است:

«مشرکان عرب و صابئیان دایره وار گرد عمارت چهار گوشه ای مسمی به کعبه طواف می کردند و درون آن می رفتند تا سنگ مشکی، شهاب سنگی با قطر ۱۲ اینچ را ببوسند. سنگ مشکی (حجر الأسود) در ارتباط با الههٔ قمری بود، چنانکه بعضی باور داشتند از آسمان فرو افتاده است. مشرکان عرب پنج بار در

روز به سوی کعبه نماز می گزاردند و بخشی از روز را در طول یک ماه روزه می گرفتند، همان گونه که مسلمانان در ماه رمضان انجام می دادند» (Ibid: 27).

۵- بررسی و نقد

ادعاهای ویلیام فدرر را در قالب چند موضوع زیر می توان پاسخ داد:

۱-۵) رسول اکرم^(ص) قبل از بعثت خداپرست بودند

دانشمندان اسلامی پیرامون چگونگی شریعت پیامبر اسلام^(ص) پیش از بعثت، دیدگاه‌های گوناگون ارائه کرده‌اند. بعضی او را پیرو آیین ابراهیم^(ع) می دانند. اینکه به پیامبر اسلام وحی شده بود که پیرو دین ابراهیم باشد، فقط مربوط به زمان قبل از بعثت نیست، بلکه پس از بعثت نیز پیامبر اسلام ادامه دهنده راه ابراهیم بود و ابراهیم به عنوان مظهر توحید و قهرمان بت شکن، الگو و سرمشق پیامبران از جمله پیامبر اسلام بود. اساساً همه پیامبران توحیدی در اصول، پیرو ابراهیم بودند و اگر تفاوت‌هایی در میان این پیامبران وجود داشت، تفاوت در برخی از احکام و شرایط بود که مطابق با مقتضای زمان تشریح می شود و هر دینی برای خودش آیین‌ها و برنامه‌هایی داشت: ﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا﴾ برای هر امتی از شما، راه و روشی قرار دادیم ﴿المائدة/ ۴۸﴾. پیامبر اسلام طبق تعلیمات الهی، توجه خاصی به ابراهیم داشت و می توان گفت که دین اسلام همان آیین ابراهیم بود که به صورت تکامل یافته و مطابق با زمان از سوی خداوند عرضه شده بود و یا حتی نام این دین هم از ابراهیم گرفته شده است: ﴿مِلَّةَ اِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ﴾ این همان دین پدرتان، ابراهیم است. او شما را از پیش مسلمان نامیده است ﴿الحج/ ۷۸﴾ (ر.ک؛ جعفری، ۱۴۰۰، ج: ۶: ۲۳۴).

قول معروف دیگر این است که پیامبر^(ص) شخصاً برنامه خاصی از سوی خداوند داشت که طبق آن عمل می کرد. شاهد این سخن، حدیثی است که در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه (خطبه قاصعه) است: «خداوند از آن زمان که رسول خدا از شیر باز گرفته شد،

بزرگ‌ترین فرشته‌اش را قرین وی ساخت تا شب و روز او را به راه‌های مکارم و طرق اخلاق نیک سوق دهد»^۹ (دستی، ۱۳۸۰: ۳۹۹). البته دیدگاهی دیگر بیان می‌کند که رسول اکرم (ص) پیش از بعثت نیز مقام نبوت داشتند و پس از بعثت، صاحب مقام رسالت گردیدند. طبق نقل علامه مجلسی در *بحار الأنوار*، روایات متعددی نیز در منابع اسلامی آمده‌است که پیامبر (ص) از آغاز عمرش مؤید به روح القدس بود و با چنین تأییدی مسلماً بر اساس الهام روح القدس عمل می‌کرد. علامه مجلسی شخصاً معتقد است که پیامبر اسلام قبل از مقام رسالت، مقام نبوت داشتند، گاه فرشتگان با او سخن می‌گفتند و صدای آن‌ها را می‌شنید و گاهی نیز در رؤیای صادقه به او الهام الهی می‌شد و بعد از چهل سال به مقام رسالت رسید و قرآن و اسلام رسماً بر او نازل شد (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۵۰۸).

۲-۵) افسانهٔ غرانیق

داستان دیگری که در ارتباط با آیات مورد ادعای فدرر در سورهٔ مبارکهٔ نجم دستاویز وی قرار گرفته‌است و نبوت را زیر سؤال برده، داستانی است که به «افسانهٔ غرانیق» و نیز «آیات شیطانی» معروف گشته‌است (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۸۱: ۳۶). فدرر در این زمینه می‌نویسد: «پیش از اسلام، مکیان سه الههٔ مؤنث را محترم می‌شمردند: ۱- اللات: به عنوان سنگی چهار گوش پرستش می‌شد. ۲- العزی: به عنوان تخته سنگ گرانیتی در راه مسیر به سمت شهر طائف پرستش می‌شد. ۳- منات: به عنوان سنگ سیاهی در مسیر جاده به شهر مدینه. (حضرت) محمد به این الهه‌ها مراجعه می‌نمود» (Federer, 2016: 26). آیات معروف به «آیات شیطانی»، قائل به جواز شفاعت خدایان قومی بود که آن‌ها را شبیه به موجودات فرشته وار می‌انگاشتند که می‌توانستند برای پرستندگان نزد خداوند شفاعت کنند (ر.ک؛ خرمشاهی، ۱۳۸۲: ۹۲). از لغزش‌های بزرگ طبری در تفسیرش، نقل روایات مربوط به افسانهٔ غرانیق است که دیگران از وی نقل نموده، دشمنان از آن برای خدشه دار کردن قرآن و پیامبر اسلام (ص) سوءاستفاده کرده‌اند (ر.ک؛ زنجانی، ۱۳۷۳: ۲۰۷).

طبری می نویسد:

«کافران گفتند: این چیست که همی خواند؟ گفتند که این سخنانی است که می گوید خدای - عزّ و جلّ - به من فرستاده است. پس ایشان سخت گوش بدان همی داشتند و چون پیغامبر - علیه السلام - این جایگاه برسید [که] ﴿أَلَمْ تَكُنْ أَتَىٰ لَكَ الْآثِقَىٰ﴾ * تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ ﴿. ابلیس - لعنه الله - بیامد و این آیت برو فراموش کرد و این یکی اندر دهان او داد: تِلْكَ الْغَرَانِيقُ الْعَلِیُّ وَ شَفَاعَتُهُنَّ تَرْتَجِیْ؛ و این سخن، معنی آن دارد که همی گوید که بتان خدایان بزرگند و امید باید داشتن به شفاعت ایشان. سپس پیامبر (ص) باقی آیات سوره را خواند، هنگامی که به آیه سجده رسید، خود پیامبر و تمام حضار، اعم از مسلمان و مشرک، در برابر بت ها سجده کردند، جز ولید که بر اثر پیری موفق به سجده نشد» (ر.ک؛ طبری، ۱۳۵۶، ج ۷: ۱۷۷۰).

قصه غرانیق که صدر و ذیل آن ناهماهنگ و متهافت است، نزد طبری بدون تنافی و پذیرفتنی است و سرّ تهافت آن این است که سوره وَالنَّجْمِ چنانکه گفته اند یکجا نازل شده است و کلامی که یکجا نازل شده، چگونه مشتمل بر تناقض است، با اینکه متکلم آن کلام داعیه هماهنگی کامل سراسر کتاب خود را داشته است و از این رهگذر، تحدی هم نموده است: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ و ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (ر.ک؛ یادنامه طبری، ۱۳۶۹: ۱۱۴).

برای ردّ ادعای فدرر دو دلیل محکم وجود دارد:

۱- پاسخ این است که کسانی که این دروغ را به هم بافته اند، هیچ فکر نکرده اند که قرآن ذیل همین آیات مورد بحث، صریحاً بت پرستی را می کوبد و آن را پیروی پندار خام و هوای نفس می شمرد و در آیات بعد نیز با صراحت و شدت تمام، عقاید بت پرستان را محکوم می کند و آن را نشانه بی ایمانی و نداشتن علم و آگاهی آن ها می شمرد و صریحاً به پیامبر (ص) دستور می دهد حسابش را از آن ها جدا کند و از آنان روی برتابد. با این حال، چگونه امکان دارد آن دو جمله از پیامبر (ص) باشد و یا مشرکان آن قدر گرفتار حماقت باشند که این جمله را بشنوند، اما آیات بعد را که باصراحت بت پرستی را درهم

می‌گوید، نادیده بگیرند و سرانجام، خوشحال شوند و پس از خاتمهٔ سوره با مؤمنان سجده کنند؟! حقیقت این است که سازندگان این افسانه آن را بسیار ناشیانه و بی‌مطالعه جعل کرده‌اند (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۵۲۳).

۲- آنکه ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ﴾ تو هرگز بر بندگان من تسلط نیابی ﴿(الإسراء/۶۵). این خداست که خود فرموده بر «بنده‌های من» شیطان هرگز تسلط نیابد. از اینجا دیگر داستانی که بعضی از زندیقان ساخته‌اند و به «افسانهٔ غرائبق» شهرت یافته، بسیار بی‌معنی می‌نماید (ر.ک؛ رامیار، ۱۳۶۹: ۱۴۸).

۳-۵) درک صحیح نداشتن فدرر از سبب نزول آیات

مشخص است که آقای فدرر درک صحیحی از سبب نزول آیات قرآن ندارد. اصلاً پذیرش بتان از سوی پیامبر اکرم (ص) به چه علت می‌توانست باشد؟ رسول اکرم (ص) منادی توحید از آغاز رسالت خود با شعار «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا» بودند، پس چگونه امکان دارد که آن بتان را پذیرش نموده‌است و احترام نمایند! در بسیاری از سوره‌های قرآن کریم، از جمله در سورهٔ کافرون و قصص^{۱۰} اولین دعوت رسول اکرم (ص)، توحید و برائت ایشان از پرستش بتان است، حتی خداوند فتنه‌انگیزی کفار را برای جلب نظر پیامبر اکرم (ص) به شرک و بت پرستی هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذًا لَاتَخَذُوكَ خَلِيلًا * وَلَوْ لَا أَنْ تَبْتَنَّاكَ لَقَد كِدْتُمْ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا * إِذَا لَأَذْفُكَ ضَعْفَ الْحَيَوةِ وَضَعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا﴾ (الإسراء/۷۳-۷۵). علامه طباطبائی در تفسیر این آیات می‌گوید: «معنای آیه این است که اگر ما با عصمت خود تو را پایداری نمی‌دادیم، نزدیک می‌شدی به اینکه به سوی آنان اندکی میل کنی، لیکن ما تو را استوار ساختیم و در نتیجه، به آنان کمترین میلی نکردی تا چه رسد به اینکه ایشان را اجابت کنی. پس رسول خدا (ص) ایشان را اجابت نکرد و ذره‌ای میل به ایشان هم ننمود و نه نزدیک بود میل کند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۲۳۹).

۴-۵) مشرکان هرگز بندگی نکردند

آنچه فدرر درباره نماز مشرکان ادعا می کند، نماز و دعا نبوده، بلکه خرافات جاهلی است. قرآن در چگونگی عبادت مشرکان می فرماید: ﴿مَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مَكَاءً وَتَصَدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ (الأنفال / ۳۵). عجیب تر اینکه آن ها مدعی بودند که نماز و عبادتی دارند و به کارهای احمقانه خود، نعره زدن ها و کف زدن های در اطراف خانه خدا، نام نماز می گذاشتند. لذا قرآن اضافه می کند: «نماز آن ها در کنار خانه خدا، کعبه، چیزی جز صوت کشیدن و کف زدن نبود: ﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مَكَاءً وَتَصَدِيَةً﴾» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۵۸). ابن عباس گوید: «قریش با تن عریان خانه خدا را طواف می کردند و سوت می کشیدند و کف می زدند. مقصود از «صلاة» دعاست؛ یعنی به جای دعا و تسبیح، سوت می کشیدند و کف می زدند. در حقیقت، عبادت آن ها نوعی لهو و لعب بود. پس مسلمین که در کنار این خانه، به عبادت و اطاعت می پردازند، باید مشرکین را از آن دور سازند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰: ۲۱۲). پس واضح است که مشرکان هرگز عبادتی مانند مسلمانان نداشتند، بلکه برعکس، در مخالفت و استهزای آن برمی آمدند.

۶- بررسی آرای فدرر درباره مصادر خارجی قرآن

از صدر اسلام مشرکان و کفار گاهی نبی اکرم (ص) را ساحر و جن زده^{۱۱}، زمانی شاعر و وقتی دیگر کاهن^{۱۲} نامیدند و در ادامه بهانه جویی های ایشان مدعی شدند که پیغمبر اسلام (ص) قرآن را از شنیده ها و ملاقات با مردم و علمای دیگر ادیان، مانند یهودیت، مسیحیت، زرتشت، تعالیم مانویت و صابئیان، عقاید، آداب و رسوم دیگر ملل اقتباس نمودند! مستشرقان و از جمله فدرر، به سبب تشابه قصه های کتب عهدین با قرآن بر این نظرند که رسول اکرم (ص) از طریق شفاهی و ملاقات با علمای اهل کتاب و یا تعالیم اسلام راز طریق کتبی و مطالعه این کتاب ها اخذ نمودند.

۱-۶) اقتباس قرآن از منابع شفاهی ادیان دیگر

ویلیام فدرر به اولین سفر پیامبر اسلام^(ص) با عمویش، ابوطالب، به سرزمین شام اشاره نموده‌اند و پس از آن، با ارجاع به جملاتی از توماس کارلایل، نویسنده و مورخ مشهور اسکاتلندی، در کتاب *قهرمانان، قهرمان پرستی و نقش قهرمانی در تاریخ* اذعان می‌دارد که رسول اکرم^(ص) نمی‌توانست بخواند یا بنویسد (Federer, 2016: 23). در ادامه، وی به جملاتی از نویسنده مشهور ویل دورانت در کتاب *عصر دین (The Age of Faith)* استناد می‌کند: «آن‌ها به او محبت و از او محافظت نمودند، اما به نظر می‌رسد هیچ کس برای زحمت چگونه خواندن و یا نوشتن را نکشید... هرگز شناخته نشد که هیچ چیزی را خودش بنویسد» (Ibid: 24). در ادامه، ویلیام فدرر تجربیات و سنت‌های شفاهی را که رسول اکرم^(ص) در این سفر شنیده بود، منشاء دانسته‌های ایشان می‌داند و می‌نویسد: «چون [حضرت] محمد^(ص) نمی‌توانست بخواند، آنچه که دربارهٔ یهودیت، مسیحیت، زرتشت، مانویت و مذاهب عرب جاهلی، مانند صابئیان آموخت بیشتر از داستان‌ها و سنت‌های شفاهی بود که در سفر با عمومی بازرگانان شنیده بود» (همان). سپس در ادامه توضیح می‌دهد: «روایتی می‌گوید که در دوازده سالگی او به همراه ابوطالب به بصره در سوریه برده شد، شاید در آن سفر، او مجموع معارف و فرهنگ یهودی و مسیحی را فراگرفته باشد» (همان).

۲-۶) ادعای اثرپذیری قرآن از زرتشت^۳ و مطالعات فریبی

در ادامهٔ مدعیات، فدرر به اقتباس قرآن از زرتشت استدلال نموده‌است و این‌گونه آغاز می‌کند: «مانند مانی، (حضرت) محمد^(ص) از ادیان زیادی آگاهی داشت» (فدرر، ۲۰۱۶م: ۲۵). وی با اشاره به تشابه بعضی از تعالیم و اعتقادات بین زرتشت و اسلام، تعالیم اسلام را اقتباسی از زرتشت معرفی می‌کند و می‌نویسد: «زرتشتیان یا مغان فارس اعتقاد به خدای واحد با هفت بهشت و هفت جهنم داشتند. کتاب پهلوی *کهن ارداویراف‌نامه*،

داستانی درباره کاهنی به نام ارداویراف داشت که سفری هوایی به هفت آسمان، مانند سفر معراج (حضرت) محمد^(ص) داشت» (الإسرائ / ۱ و بخاری، ج ۱: ح ۳۴۵).

فدرر ادامه می دهد:

«زرتشتیان مفهوم جهاد را باور داشتند، جنگی مستمر میان دو گانه پرستی، جنگ خیر در مقابل اهریمن و بر آیین مذهبی طهارت تمرکز می نمودند. (حضرت) محمد^(ص) عبارت زرتشتی جن یا جنی را به جای دیو از آنان اقتباس نمود (سوره جن)... زرتشتیان معتقد بودند که درختی به نام خُمیه در بهشت، مثل درخت سدر در اسلام وجود دارد». همچنین، «بهشت زردشتیان با شراب و زنانی که فاریس یا حوریس نامیده می شود، شهوانی شده بود. نام پهلوی حوریس چندین بار در توصیف شهوانی قرآن از بهشت به کار رفته است، به زنان محجوب، مانند یاقوت و مرجان، جوانان سیاه چشم، زنانی خوشرو و مربوط می شود: ما آن ها را با زنانی با چشمان بزرگ، زیبا، تزویج می کنیم (الدخان / ۵۴)» (فدرر، ۲۰۱۶: ۲۶).

۳-۶ ادعای اثرپذیری قرآن از مسیحیت^{۱۴}

در جای دیگر، نویسنده ادعای تأثر قرآن از انجیل را اظهار و بدان تأکید دارد: «دایرةالمعارف بریتانیکا درباره (حضرت) محمد اظهار می دارد: اساساً انجیل از طریق منابع فاسدالعقیده (بدعت گذار و مرتد) واپوکریفا (اسفار پوشیده) به او شناسانده شد^{۱۵}» (همان: ۲۷). البته فدرر مشابه چنین جملاتی را در صفحات دیگر همین کتاب تکرار می کند: «تعداد بسیاری از داستان های اپوکریفایی و الحادی که (حضرت) محمد^(ص) شنیده بود، در قرآن منعکس شده بودند. داستان جهنم در قرآن بسیار شبیه به وعظ های افرایم، مبلغ نسطوری مسیحی قرن ششم است» (Ibid: 35).

۴-۶ ادعای اثرپذیری قرآن از یهودیت^{۱۶}

فدرر می نویسد:

«در عصر حضرت محمد^(ص)، کتب مقدس یهودیان با دست نوشته شده، در کنیسه‌ها حفظ می‌شد و در دسترس مردم عادی نبود. آنچه حضرت محمد^(ص) از یهودیت می‌دانست، از تفاسیر شفاهی قانون یهود معروف به میدراش، و از سنت شفاهی معروف به تلمود، میشنا و گمارا با داستان‌هایی از کتاب خنوخ و مکاشفات ابراهیم بود. قرآن محمد^(ص) شخصیت‌های کتب عهد عتیق و جدید، مانند آدم^(ع)، نوح^(ع)، ابراهیم^(ع)، موسی^(ع)، داوود^(ع)، جبریل ملک و عیسی^(ع) را متذکر می‌شود، اما خط داستان از وعدهٔ بخشش و رستگاری، به ساختن سرگذشتی تغییر می‌یابد که هرگاه پیامبران الهی مقبول مردم نشوند، الله کسانی که پیامبران را نپذیرند، عقاب خواهد کرد» (Ibid: 34).

۷- بررسی و نقد مدعیات

الف) اکثر مفسران و قرآن پژوهان جهان اسلام بر این باور بوده‌اند که پیامبر خاتم^(ص) تا سن چهل سالگی و مبعوث شدن به رسالت، نه می‌خواند و نه می‌نوشت و این یکی از بهترین استدلال‌ها برای دفاع قرآن در برابر شبهات کفار و معاندان و یکی از راه‌های اثبات معجزه بودن قرآن می‌باشد؛ چنانکه در قرآن به صراحت در این زمینه خطاب به رسول اکرم^(ص) می‌خوانیم: ﴿وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَأَرْتَابَ الْمُتَكَبِّرِينَ﴾ (العنکبوت/۴۸) که دال بر اُمّی بودن (نخواندن و نوشتن) پیامبر^(ص) می‌باشد. ولی علی‌رغم همسویی که نویسنده آمریکایی با اعتقاد مسلمانان دارد، به نظر می‌رسد که انگیزهٔ وی از انتساب وصف بی‌سوادی به رسول اکرم^(ص) (ر.ک؛ فدرر، ۲۰۱۶م: ۸۲)، به هدفی غیر از بیان واقعیت تاریخی و غیرمنطبق با باور مسلمانان دربارهٔ اُمّی بودن پیامبر^(ص) باشد. همچنین، «برخی دیگر از مستشرقان نیز برای واژهٔ اُمّی مفهوم مخالف ارائه داده‌اند و بر این باورند که این واژه دلالت بر نخواندن و نوشتن پیامبر اکرم^(ص) ندارد، بلکه به معنای پیامبر بت پرستان یا پیامبر غیریهود است» (ابراهیمی و بلداجی، ۱۳۹۳: ۱۵۷-۱۸۰).

ب) ویلیام فدرر مدعی است اکنون که پیامبر اکرم^(ص) نمی تواند بخواند و بنویسد (ر.ک؛ فدرر، ۲۰۱۶م: ۸۲)، پس یقیناً به سبب ارتباط با علمای یهود و دیگر ادیان، دانسته های اجتماعی و دینی خویش را برای صدور قرآن کامل نمود! به عبارتی، مصادر خارجی از نوع شفاهی و سمعی، منبع دانسته های رسول اکرم هستند! اما باید گفت: اولاً فدرر دقیقاً ارجاع نمی دهد که روایت از کدام کتاب یا سند است، بلکه بدون استناد مدعی است که نبی مکرم اسلام^(ص) مجموع معارف و فرهنگ یهودی و مسیحی را در این سفر فراگرفته است؟

ثانیاً اگر گفتار وی را درباره ملاقات با بحیرا درست فرض کنیم، آیا معقول است که بپذیریم در اثر ارتباط محمد امین^(ص) در مدت بسیار کوتاه با یک راهب مسیحی، این حجم از دستورها و تعالیم آسمانی به وی القا شده باشد! آیا هیچ عقل سلیمی می پذیرد که سرچشمه زلال قرآن کریم با این همه گستردگی معارف و اصول عالی اخلاقی، نتیجه هم کلامی موقت رسول اکرم^(ص) با علما و مردم یهود و یا مسیحی در یک سفر تجاری بوده است! باید بر آنچه گفته شد، این نکته را نیز بیفزاییم که به نظر برخی، وجود چنین شخصیتی تردید وجود دارد (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۶۹: ۱۵).

ج) جای تعجب نیست که ادیان ابراهیمی خاستگاه مشترکی دارند؛ یعنی توحید، نبوت، معاد و رستاخیز مردگان، انتظار موعود آخرالزمان، ملائکه، کتاب های آسمانی، بعضی از احکام و قوانین شرعی مانند روزه، نماز و... با اختلافاتی در همه آنها وجود دارد؛ به عنوان مثال، در وجوب روزه^{۱۷} که در ادیان گذشته هم وجود داشت، یا قصاص^{۱۸} که در تورات هم آمده بود. تمام وجوه تشابهات ادیان، به ویژه زرتشت و اسلام که فدرر بدانها اشاره نمود، بیانگر این واقعیت هستند که ریشه و خاستگاه ادیان الهی از سوی خداوند متعال است و نباید جای شگفتی باشد که این ادیان با هم در بعضی موضوعات تشابه دارند.

نکته اساسی را آقای معرفت در باب اشکال جویی این نویسندگان غربی چنین بیان نموده است: «همگرایی و هم سخنی ادیان آسمانی، ناگزیر باید دلیلی منطقی داشته باشد

که یکی از موارد سه‌گانهٔ زیر خواهد بود: ۱- برخورداری از خاستگاه مشترک. ۲- یا به دلیل آنکه برخی از برخی دیگر گرفته شده‌اند و چون دست‌به‌دست شده‌اند، شاهد همسانی میان آن‌ها هستیم. ۳- یا آنکه این همانندی از روی اتفاق بوده‌است و دلیل آگاهانه‌ای در کار نیست.

بی‌تردید گزینهٔ سوم را نمی‌توان پذیرفت؛ چراکه با حکمت شگرف حاکم بر جهان تدبیر نمی‌خواند^{۱۹}. اما دربارهٔ دو گزینهٔ نخست، سؤال این است که این جماعت چرا گزینهٔ مستدل نخست را نادیده گرفته، بر آن گزینهٔ بی‌پایه و سُست دوم هم‌داستان شده‌اند؟ این خود تأمل برانگیز است. افزون بر اینکه شواهد فراوانی بر استواری احتمال اول وجود دارد، گزینهٔ دیگر را از بنیاد ویران می‌سازد؛ از جمله آموزه‌های بلند عرضه‌شده از سوی قرآن که هرگز با افسانه‌های سُست و دست‌نوشته‌های عهدین همخوانی ندارد، آیا می‌توان این بلندپایه را برگرفته از آن فرومایه دانست؟! (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۹).

آری، هرچند احتمال اقتباس کتاب متأخر از کتاب متقدم فی‌نفسه احتمال ممکن و متصور است، اما باید توجه داشت که اولاً این احتمالاً تنها احتمال متصور نیست، بلکه باید به احتمال سوم (اثرپذیری از منبع سوم) نیز توجه داشت و دلیلی بر نفی و یا تضعیف آن ارائه نمود. ثانیاً اگر پس از مقایسهٔ دقیق محتوای دو متن تقریباً مشابه - نه دقیقاً مشابه - ضعف، تشویش، تحریف و سُستی متن پیشین اثبات شود، چگونه می‌توان پذیرفت متن دوم از متن اول اقتباس نموده، از آن متأثر است.

(۵) برداشت منفعت‌طلبانه از آیات

به نظر می‌رسد که آقای فدرر هر جا که موضوعی بر طبق خواسته‌هایش در قرآن یا حدیث وجود داشته، آن را تأیید نموده‌است و برعکس، هر جا که مطلبی برخلاف دیدگاه و عقیدهٔ او بوده، آن را کفرآمیز دانسته، آن را محکوم نموده‌است. در نتیجه، بسیار واضح است که نویسنده به دنبال چیست و چه هدفی دارد.

فدرر مدعی است که پیامبر اسلام^(ص) دانسته‌های خویش را از انجیل و دیگر کتب مسیحیت دریافت نمود. اگر فرضاً قرآن از مسیحیت اقتباس شده باشد، اکنون که

به صراحت بیان می‌نماید که عیسی مسیح^(ع) بنده خداست، آیا جایی برای اعتراض آقای فدرر در «اصل بنده بودن عیسی^(ع)» باقی می‌ماند؟ قرآن کریم شیواترین پاسخ به چنین مدعیانی می‌دهد^{۲۰}. «کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می‌کنند و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند و می‌گویند: به بعضی ایمان می‌آوریم و بعضی را انکار می‌کنیم و می‌خواهند در میان این دو راهی برای خود انتخاب کنند».

نتیجه‌گیری

- انکار و حیانت قرآن از سوی فدرر بیش از آنکه مستند به ادله علمی باشد، مبتنی بر پیش‌داوری است

- دیدگاه فدرر بدون توجه و مراجعه به تمام آیات مرتبط با یک موضوع و به صورت گزینشی تنظیم شده است. مراجعه به تمام آیات مرتبط با یک موضوع و ملاحظه مجموعی آن، زمینه بروز بسیاری از شبهات را از بین می‌برد.

- کم‌اطلاعی و مراجعه نکردن فدرر به سبب نزول زمینه‌براشتهای اشتباه وی را فراهم ساخته است.

- دیدار کوتاه پیامبر^(ص) با افرادی مانند بحیرا نمی‌تواند منشاء غیرو حیانی برای قرآن را اثبات نماید.

- ادله ارائه شده از سوی فدرر، اثرپذیری قرآن از منابع غیرو حیانی را اثبات نمی‌نماید.

پی‌نوشت‌ها:

۱- باراک اوباما در سفرش به دانشگاه قاهره، بر این کتاب مقدمه (تقریض) حمایت آمیزی به شرح ذیل نگاشت که در آغاز کتاب فدرر نیز درج شده است:

Thousands of books, documents and articles have been researched over several years in preparation for this book. You will be fascinated by this fast-paced history of the world from a perspective you have never imagined. Current events will come into focus in the back drop of 1400 years inconceivable yet true events and

conflicts. Every effort has been made to present this information objectively. It is hoped this work is received that way. you will not be the same after you have read what every American needs to know about the Quran. Islam has always been a part of America's story. Barack Hussein Obama June 4, 2009, Cairo, Egypt.

هزاران کتاب، سند و مقاله بیش از چند سال در آماده سازی این کتاب استفاده شده است. شما می توانید به سرعت یک گام از تاریخ جهان، از منظری که هرگز تصور نمی کردید، مجذوبش شوید. وقایع کنونی در سقوط به گذشته تصورناشدنی هزار و چهارصد ساله، اما در عین حال با حوادث و مشکلات واقعی متمرکز شده است. هر گونه تلاشی برای ارائهٔ منتقدانهٔ این اطلاعات صورت گرفته است. امید است که این اثر بدان شکل فهمیده شود. شما بعد از مطالعهٔ این کتاب، همان انسان قبلی نخواهید بود. همیشه اسلام بخشی از داستان آمریکا بوده است. باراک حسین اوباما، چهارم ژوئن ۲۰۰۹ میلادی، قاهره، مصر (ر.ک؛ فدرر، ۲۰۱۶: ۱۱).

۲- برای مطالعهٔ بیشتر دربارهٔ نویسنده و فعالیت های شغلی او به پایگاه های اینترنتی زیر رجوع شود:

- www.amerisearch.net
- www.amricanminute.com
- www.biblio.com
- www.minister-best-friend.com

۳- بنای یادبود ملی کوه راش مُر: روی کوهی به همین نام، چهرهٔ چهار تن از مشهورترین رؤسای جمهور آمریکا، روی سنگی در مقیاس بزرگ کنده کاری شده است. از راست به چپ: آبراهام لینکلن، تئودور روزولت، توماس جفرسون و جرج واشینگتن هستند.



۴- نوشتار حاضر با مراجعه به نسخه انگلیسی ویرایش دوم سامان یافته است. گفتنی است حسب جستجوی نگارندگان مقاله حاضر، تاکنون کتاب فدرر ترجمه نشده است.

5- Isidore Singer, Emil G. Hirsch; Abraham Geiger. <http://Encyclopedia of Jewish.com>, 2011.

6- words such as **Tabut, Taur`at, Jann`atu Adn, Jahannam, Ahbar, Darasa, Rabbani, Sabt, Sakinat, Taghut, Furqan, Ma`un, Masani, Malakut.**

7- New researches into the composition and exegesis of the Qoran.

8- Qur`an :Arab Pagan Influence.

۹- «و لقد قرن الله به (صلى الله عليه وآله وسلم) من لدن إن كان فطيماً أعظم ملك من ملائكته، يسلك به طريق المكارم، و محاسن أخلاق العالم، ليله و نهاره» (نهج البلاغه / خ ۱۹۲).

۱۰- ﴿وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (القصص / ۸۸).

۱۱- ﴿كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ﴾ (الذاريات / ۵۲).

۱۲- ﴿فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ * أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَبُّنَا أَلْمُونُونَ﴾ (الطور / ۲۹-۳۰).

13- Qur`an: Zoroastrian Influence.

14- Qur`an: Christian influence.

15- *Encyclopedia Britanica* stated of Mohammed: The gospel was known to him chiefly through apocryphal and heretical sources (15:648).

16- Quran: Jewish influence.

۱۷- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (البقره / ۱۸۳).

۱۸- ﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَن لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (المائدة/۴۵).

۱۹- دربارهٔ این سخن استاد معرفت باید توجه داشت که این استدلال ناظر به همسانی تعالیم ادیان است. مشابهت اتفاقی و بدون برنامه در تعالیم ادیان پذیرفتنی نیست؛ زیرا تعالیم ادیان از وحی سرچشمه می‌گیرد و خداوند حکیم نیز کار اتفاقی و بدون دلیل انجام نمی‌دهد. بله، ممکن است دو انسان بدون تباری و ارتباط با یکدیگر و یا هر گونه اثرپذیری از هم، کلامی همسان و مشابه بیان نمایند.

۲۰- ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾ (النساء/۱۵۰).

منابع و مأخذ

ابراهیم رضوان، عمر. (۱۹۹۲م). *آراء المستشرقين حول القرآن الكريم*. ط ۱. ریاض: دارالطبية.

ابراهیمی، ابراهیم و اصغر طهماسبی بلداجی. (۱۳۹۳). «نقد و بررسی آرای مستشرقان دربارهٔ امی بودن پیامبر اکرم (ص)». *پژوهشنامهٔ معارف قرآنی*. ش ۱۸. صص ۱۵۷-۱۸۰. اعظم شاهد، رئیس. (۱۳۸۶). *اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان*. چ ۱. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

بل، ریچارد. (۱۳۸۲). *درآمدی بر تاریخ قرآن*. ترجمهٔ بهاء‌الدین خرمشاهی. چ ۱. قم: مرکز ترجمهٔ قرآن.

جعفری، یعقوب. (۱۴۰۰ق). *تفسیر کوثر*. چ ۱. قم: هجرت.

جمعی از نویسندگان. (۱۳۶۹). *یادنامهٔ طبری*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رامیار، محمود. (۱۳۶۹). *تاریخ قرآن*. چ ۳. تهران: امیرکبیر.

- زمانی، محمد حسن. (۱۳۹۲). *مستشرقان و قرآن (نقد و بررسی آراء مستشرقان درباره قرآن)*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- سید رضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۰). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات مشهور.
- السباعی، مصطفی. (بی تا). *الإستشراق والمستشرقون (ما لهم و ما علیهم)*. بی جا: المكتب الإسلامی.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. ج ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق رضا ستوده. تهران: انتشارات فراهانی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۵۶). *تفسیر طبری*. تحقیق حبیب یغمایی. تهران: انتشارات توس.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۳۸۷). *الإحتجاج*. ترجمه بهزاد جعفری. ج ۲. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۳). *مبانی و روش های تفسیر قرآن*. ج ۳. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فیض کاشانی، محسن. (۱۴۱۵ ق.). *تفسیر الصافی*. تحقیق حسین اعلمی. ج ۲. تهران: انتشارات الصدر.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۶۲). *بحار الأنوار؛ الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. ج ۴. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). *پیامبر آمی*. بی جا: بی نا.
- معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۱). *علوم قرآنی*. ج ۴. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
- _____ (۱۳۹۲). *نقد شبهات پیرامون قرآن کریم*. ترجمه گروه مترجمان. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.

- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: ناشر دارالکتب الإسلامية.
- Brockopp, Johnathan E. (2010). *The Cambridge companion to Muhammad*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Federer, William J. (2016). *What every American needs to know about he Qur'an, (A history of Islam and United States)*. library of Congress: Amrisearch Inc.
- Geiger, Abraham (Rabbi). (1896). *Judaism and Islam (a prize essay)*. Translated by F.M Young. Madras: M.D.C.S.P.C.K. Press.
- Goldziher, Ignaz. (1917). *Mohammed and Islam*. Translated from German by Kate Chamber Seelye. London: Yale University Press.
- Hirschfeld, Hartwig. (1902). *New Researches into the Composition and Exegesis of the Quran*. London: Royal Asiatic society.
- Hornby, A S. (1995). *Oxford Advanced Learner's Dicionary*. Oxford University Press.
- Isidore Singer & Emil G. Hirsch. (2011). *Abraham Geiger*: <http://Encyclopedia of Jewish.com>.
- Mc Auliffe, Jane Dammen. (2007). *The Cambridge Companion to the Qur'an*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Nuldeke ,Theodor & etal. (2013). *The History of the Qur'an*. Edited and translated by Wolfgang H. Behn. Vol.8. Liden: BRILL Publication.
- Rubin, Uri. (2012): <http://www.urirubin.com>.
- Said, Edward J. (1979). *Orientalism*. New York: Random House Inc.
- Smith, Henry. (1897). *The Bible and Islam (the Influence of the Old and New Testaments on the Religion of Mohammed)*. London: James Nisbet & Co.
- Tisdall, William st. Clair. (2016). *The Sources of Islam*. Translated and abridged by Sir William Muir. Edinburgh.
- Yashar, Naif. (2016). "The Comparison of the Orientalistic View in the Context of the Contextualization Process of the Qur'an". *The Journal of Academic SocialScienceStudies*. No. 51. Pp. 347-370.